

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد

۰۲۰۲۶ / ۸ / ۲۰

ن. جلیلزاد

رودخانه استقلال و آزادی هرگز خشک نمی شود



امانت امانی بر دوش نسل امروز است: شمشیر، قلم، و ملتی یگانه حماسه استقلالی که از میان مردم برخاست. استقلال شعله خاموش نشدنی.

نهضت امانی از همان نقطه ای که ایستاد، دوباره آغاز شود. بر فراز هندوکش، جایی که باد با غرور کوه ها سخن می گوید، صدایی هنوز طنین دارد/ صدایی که از دل تاریخ برخاسته و در گوش هر افغان زمزمه می کند: «استقلال، هدیه نبود، دستاورد بود.»

این صدا، میراث نهضتی است که نه از قصر برخاست و نه از قدرت زور، بلکه از دل مردم، از رگ های پرغرور اقوام گوناگون این سرزمین جوشید و در وجود جوانی به نام امان الله خان، شکل حماسه به خود گرفت.

نهضتی که از مردم بود، برای مردم باید فریاد زد و به گوش تاریخ رساند:

نهضت امانی، حرکتی درباری یا انحصار یک قوم و یک قشر نبود.

این نهضت، از دل کابل و کندهار جوشید، از پکتیا و پکتیکا شعله کشید، از هرات و بلخ، از بدخشان و بامیان، از قندوز و ننگرهار، از هزاره جات و از دشت های ترکمن نشین شمال، از هر گوشه این خاک، صدایی برخاست که یکی می گفت: «آزادی می خواهیم.» پشتون و تاجیک، هزاره و ازبک، ترکمن و بلوچ، نورستانی و پشه ای، همه در زیر یک آسمان، برای یک آرمان ایستادند.

این نهضت، بیگانه با هیچ قومی نبود/ زیرا خود از میان همان اقوام برخاسته بود. سربازانی که در میدان جنگ جان دادند، از هر گوشه افغانستان بودند/ دیپلمات هایی که در میزهای مذاکره ایستادند، از فرهنگ های گوناگون این سرزمین برخاسته بودند. این حقیقت را باید با صدای بلند گفت، تا هیچ کس نتواند تاریخ را تجزیه کند و آن را ملک انحصاری یک قوم بخواند.

دو بال یک عقاب: شمشیر و قلم

امان الله خان، جوانی بود که در یک دست شمشیر داشت و در دست دیگر، قلم مذاکره. او نشان داد که استقلال، تنها با گلوله به دست نمی آید/ استقلال باید در وجدان جهان ثبت شود، باید در اسناد بین المللی مهر بخورد، باید در کرسی های دیپلماسی به رسمیت برسد.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنې د لیکنیزې ټولنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په ځیر و لولئ

او در میدان جنگ با شجاعتی افسانه ای ایستاد، و بر سر میز مذاکره، با هوشی سیاسی که از تاریخ منطقه بی سابقه بود، افغانستان را از یک ادعا به یک واقعیت حقوقی بدل کرد.

این ترکیب نادر از دلیری و درایت، همان چیزی است که نهضت او را از یک قیام ساده، به یک نهضت تمدنی ارتقا داد. آتشی که میرویس افروخت، امان الله شعله‌ور ساخت. تاریخ ما، رودخانه ای پیوسته است، نه برکه ای ایستا.

میرویس نیکه، در دل کوه‌های کندهار، نخستین جرعه را زد/ جرعه ای که نسل ها آن را در سینه نگه داشتند تا روزی که امان الله خان، آن جرعه را به آتشی فروزان بدل کرد. این پیوستگی تاریخی به ما می آموزد که آزادی، میراثی زنده است که از دستی به دست دیگر منتقل می شود، و اکنون، در این برهه از زمان، این امانت بر دوش نسل امروز افتاده است.

چرا باید از همان نقطه آغاز کرد؟

نهضت امانی، در اوج شکوفایی خود، با مقاومت نیروهای محافظه‌کار و دسیسه های بیگانه توسط یک دزد و رهن و قطاع الطريق ایله جار گر به نام بچه ای سقا متوقف شد / اما متوقف شدن، به معنای پایان یافتن نیست. یک نهضت تاریخی، وقتی ساقط می شود، ریشه هایش در خاک باقی می ماند.

وظیفه آگاهان امروز، نه اختراع راهی تازه، بلکه ادامه همان مسیری است که با خون و اندیشه هموار شده بود/ مسیر آموزش برای همه، مسیر کرامت زن در جامعه، مسیر ساختن نهادهای مدرن با احترام به هویت ملی، مسیر روابط بین‌المللی مبتنی بر عزت و نه وابستگی. باید از همان نقطه ای آغاز کرد که نهضت امانی متوقف شد، زیرا آن نقطه، نقطه شکست اندیشه نبود، نقطه شکست در برابر دسیسه بود/ و اندیشه هرگز نمی میرد.

استقلال، مسئولیتی بی پایان

استقلال، پایان یک جنگ نبود/ آغاز یک مسئولیت ابدی بود. امان الله خان، این حقیقت را با تمام وجود درک کرده بود. او می دانست که مرزها را می توان با شمشیر آزاد کرد، اما ذهن ها را تنها با آموزش، با فرهنگ، با بیداری می توان آزاد نگه داشت. از این رو، به ساختن مکتب پرداخت، به گشودن روزنامه، به گسترش سفارتخانه‌ها، به بلند کردن صدای افغانستان در میان ملت های جهان. این ها، همه بخشی از یک پروژه بزرگ تر بودند: پروژه ساختن ملتی که خود، سرنوشت خویش را رقم می زند.

پیام امروز

شعله را در دل روشن نگه دارید

امروز، پس از بیش از یک سده، وظیفه ما سنگین تر از هر زمان دیگر است. جهان تغییر کرده، دشمنان استقلال شکل عوض کرده اند، اما جوهر نبرد همان است/ نبرد میان ملتی که می خواهد خود تصمیم بگیرد، و نیروهایی که می خواهند این تصمیم را از او بگیرند. آگاهان و فرزندان این خاک باید بدانند که احیای نهضت امانی، به معنای بازگشت به گذشته نیست/ به معنای برداشتن همان مشعل و روشن نگه داشتن آن در مسیر آینده است. بگذارید این حقیقت در دل هر افغان، از هر قوم و هر گوشه این سرزمین، حک شود: استقلال، نه هدیه یک شاه بود، نه دستاورد یک قوم/ استقلال، فرزند مشترک تمام مردم افغانستان بود، زاده خون مشترکی که در رگ های تمام اقوام این سرزمین جاری است. و اکنون، این آتش مشترک است که باید دوباره زبانه بکشد/ نه در گذشته، بلکه در امروز، در قلب هر کسی که هنوز باور دارد افغانستان می تواند، باید، و خواهد ایستاد. درود بر روح غازی امان الله خان، درود بر همه کسانی که در کوه و دشت این وطن، برای آزادی جان باختند، و درود بر نسلی که، با وجود تمام زخم ها، هنوز شعله استقلال را در دل خاموش نگذاشته است.

این شعله، امانت ماست/ و امانت ها را باید پاس داشت.

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالپړلو مخکې په څیر و لولئ